



رد پای «عباس» در کتاب‌ها

شاید بتوان کتاب «پرواز تابی نهایت» را یکی از اولین و مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده درباره شهید خلیان سرلشکر عباس بابایی به حساب آورد؛ کتابی که به رغم اشکالاتی در کتاب‌سازی و قطع و بزیری که خواندنش را برای مخاطبان با مشکلاتی روبه‌رو می‌کرد اما تا سال‌ها بر صدر فروش کتاب‌هایی با موضوع جنگ تحمیلی بود و ارزش مهم تلاش می‌کرد همیشه این کتاب را به بازار نشر برساند تا مخاطبان به راحتی بتوانند از آن استفاده کنند. با گذشت زمان و پیش‌ریل تلویزیونی با محوریت زندگی این شهید عزیز، کتاب‌های دیگری به این مجموعه اضافه شد که مهم‌ترین آنها می‌توان کتاب «من و عباس بابایی» دانست که با زبان بی‌تکلف خود، در بین مخاطبان جا باز کرد.

سی و ششمین سال شهادت معاون عملیات نیروی هوایی

عباس بابایی؛ مغز متفکر نیروی هوایی

۳۶ سال پیش، تیمسار عباس بابایی، معاون عملیات نیروی هوایی، از قهرمانان ملی ایران در دوران دفاع مقدس به اثر یک اشتباه انسانی در پدافند نیروهای خودی به شهادت رسید. خلبانی که با هوشی سرشار و ذهنی خلاق، چهره آشنای بسیجیان و یار وفادار فرماندهان قراقرگاه‌های عملیاتی بود، در ایام سالگرد شهادت‌ش، نگاهی گذرا خواهیم داشت به چند روایت از زندگی تأمل برانگیز خلبان سلحشور.



«گل» لگدمی کرد

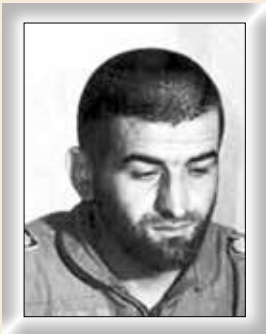
عباس بابایی زمانی که با هواپیما پراژ می‌کرد، در حین عملیات و آموزش هواپی، از آن بالا روستاهای دور افتاده را در میان شیرها و دره‌ها شناسایی و موقعیت جغرافیایی آنها را ثبت می‌کرد. بعد از ماهوریت، با ماشین قدیمی که داشت سواری می‌شدیم و مقداری غذا، آذوقه مثل قند و چایی برای روستایی‌ها برمی‌داشتیم و از میان کوه‌ها و دره‌ها با چه مشکلاتی روبرو می‌شدیم تا برسیم به روستایی که از روی هوا شناسایی کرده بود. مردم روستاها ما را باباس روحانی و عباس را باباس خلبانی می‌دیدند. روستایی‌ها می‌گفتند: حمام نداریم و او با پول خودش شروع می‌کرد برای آنها حمام می‌ساخت و من به چشم حمام می‌دیدم که باباس خلبانی برای ساختمان حمام با خود شای گل لگدمال می‌کرد. (راوی: حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی خلیانگی)

حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی

می‌خواست ناشناخته بماند

ظهر یک روز عباس بابایی آمد قراقره تا به اتفاقاً هم برای نماز جماعت به مسجد برویم. او سوی سر خود را مثل سربازان ترازشده و لباسی خاکی بسیجی پوشیده بود. وقتی وارد مسجد شدیم اصرار کردم به صف اول نماز برویم ولی قبول نکرد و در همان ماندم، چرا که او سعی می‌کرد نشانها بماند. در نماز حالات خاصی داشت مخصوصاً در قنوت. بیشتر وانمود می‌کرد که یک بسیجی است.

(راوی: سرلشکر رحیم صفوی)



دستگیری نیازمندان

نیروی هوایی که بود، ماهی یک بار به دیدار ما می آمد. وقتی هم که به خانه ما می آمد، مستقیم به زیرزمین می رفت تا ببینند ما چی داریم و چی نداریم. وقتی گونی برنج و یا حلب روغن را می دید، می گفت: «مادر!

اینها چیه که اینجا انبار کردی



اینها چیه که اینجا انبار کردید؟... خیلی ها نان خالی هم ندارند بخورند، آن وقت شما... خلاصه هرچی که بود جمع می کرد و می ریخت روی ماشین و با خودش می برد به نیازمندان می داد. با تمام هست و قوت می رفتن می گفتم سراسر رسید، در دلم آشوبی به پا شد. از بعد هفتم، هر روز صبح... یادم می آید و با تاکی می رفتم مزار شهدا و تا ظهر که پدرش از سفر برمی گشت... سر مزار می نشستیم و با هم حرف می زدیم. بعد از آن می رفتم و ماکای می جمع می کشیدم؛ خلاصه آشک و گریه خورد و خوراک من شده بود. (راوی: مادر شهدای بابایی)

مغز متفکر نیروی هوایی

وقتی عراقی‌ها حمله می‌کردند تا کشتی‌های ما را برنزد، همیشه در صفحه رادار، یک فرزند بیشتر دیده نمی‌شد. علی‌الخصوص هواپیماهای میزگره که از این قابلیت استفاده می‌کردند. ما طی تجربیات پی‌درپی‌م که احتمالاً این با فرزند هواپیما حمله می‌کنند ولی ما یکی از آنها را در صفحه رادار می‌بینیم آنها را نقاط کور رادار استفاده می‌کنند و این جوری به ما خودی نشان می‌دادند. شهید بابایی نظرات ما را در مورد حمله میزگره‌ها و تحقیق مطرح شد گوش می‌کردند و دلایل ما را می‌پرسیدند و خوششان به سایت رادار ما می‌رسید. می‌کردند و از نزدیک مسائل را بررسی می‌کردند. حضور ایشان در صحنه موجب شد با دلایل و فرضیات دست رادار و حرایه که عراقی‌ها داشتند برای ما موز شود.

(راوی: سرتیپ خلبان سیاوش مشیری، هم‌رمز شهید)

برش

عباس خود را طعمه قرار می‌داد

در یکی از مأموریت‌های جنگی به همراه عباس بر فراز خلیج فارس در حال پیروز بودیم. آن روز قرار بود کاروان بزرگی از کشتی‌های نفتکش و تجاری راناب‌های بین‌المللی اسکورت کنیم. براساس اطلاعات رسیده، دشمن تصمیم داشت تانیه کاروان حمله کند. به همین دلیل موقعیت بسیار حساس و خطرناک بود. باطری‌که که عباس ارائه کرده بود قرار شد با ۱۴ فروند شکاری اف ۱۴ دو فروند، دو فروند پوشش سنگین هواپی منطقه خلیج فارس را تا مین کاروان از این طریق شکار و حمله‌ات دشمن در امان بمانند. من و عباس کنار هم پیروزی می‌کردیم. از روی صفحه رادار هواپیما دیدیم که آن دو جنگنده عراقی دور شدند. عباس هم موضوع را دریافت کرده بود. من و عباس در آن روز با کیمیا دیگر آمدیم. یادست به او اشاره کردم که چه جایده که

عباس به من پیام داد: من به عنوان طعمه جلو می‌روم و هواپیماهای دشمن را به دنبال خود می‌آورم. سپس با یک حرکت سریع از من دور شد. او با مانورهایی که انجام می‌داد هواپیماهای دشمن را متوجه خود می‌کرد و آنها را به دنبال خود کشاند. روی صفحه رادار دیدم که هواپیمای عباس در تیررس کامل دشمن قرار گرفته است. پس از چند لحظه با چشم هواپیمای دشمن را دیدم. ناگهان عباس مانوری کرد و با یک چرخش بسیار خطرناک، مسیر خود را تغییر داد و ارتفاع را کم کرد. در این لحظه موشک من با هواپیمای دشمن برخورد کرد. نفتم: عباس می‌دانی چه کردی؟ عباس گفت: من کاری نکردم خدا کرد. (راوی: سرهنگ خلیلان فضل. ا. جاویدانی)



بی خون نگار

زینب گل محمدی | نویسنده و پژوهشگر

برای جوان ۲۱ ساله که علمدار شد

انفجار زودہنگام بمب

همراه ۱۳۴۷ بود که انتشارات وایکینگ انگلستان کتابی با نام «آیات شیطانی» را به قلم سلمان رشدی منتشر کرد. کتابی با حدود «۱۰ صفحه که در قالب داستان‌های خیالی به شخصیت پیامبر اسلام، سایر پیامبران الهی و مقدسات اسلامی توهین کرده بود. موج سنگین تبلیغاتی رسانه‌های آمریکایی و غربی از سویی و ترجمه سریع و توزیع گسترده آن به زبان‌های مختلف ازسوی دیگر باعث شهرت آن کتاب شد. مسئله باعث عکس‌العمل‌های متنوعی در جهان اسلام شد که مهم‌ترین آنها صدور حکم ارتداد نویسنده کتاب ز سوی حضرت امام تهرانی بود.

برخی گمان می‌کردند با ارتحال حضرت امام خمینی این موضوع نیز به فراموشی سپرده شود. اما آیت‌الله العظمی خاмене‌ای در اولین بیانات به حجاج، یک ماه پس از ارتحال امام خمینی و انتخاب ایشان به رهبری، که به کینه‌ورانه دشمنان نسبت به اسلام، مجدداً بر فضیله مسلمان شدنش تأکید کردند و گفتند: «این نیز یکی از الطاف الهی است که هر کدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده آنان در دفاع از اسلام تبدیل می‌شود. نمونه باره، ما جارجی نوشتن کتاب شیطانیت یهودیه و مرتد و مذهب اسلام انگلیسی است و دولت‌های استکباری با این کار می‌خواستند اسلام را تضعیف کنند و خدای متعال برعکس خواسته آنان، این کار را موجب برپوزیری آنان قرار داد و با صدور فتوای امام امت بر مذهب اسلام یوستند و هاش، انگلیس مسلمان رست و اسامی آنان بیشتر و بیشتر به مذهب تلاش‌های دشمن در مبارزه با اسلام به همین گونه نتیجه‌ای منتهی خواهد شد که «آن انگلیستان» کان ضعیفاً... البته وظیفه عمومی همگان در برابر اهانت به مقدسات اسلامی، روشن و واضح است و حکم امام فقید به ارجاب القتل یون نویسنده مرتد و پلید ذات شیطانی، تکلیف به رها نیست به موارد مشابه به روشی می‌سازد. حکم امام امت بر رها آن نویسنده گنویخت به وقت خود باقی است و باید و می‌بایست در انتظار اجرای آن لحاظه مقدم بماند.»

۱۴ مرداد ۱۳۶۸ «مصطفی محمود مازح» جوان ۲۱ ساله لبنانی که قصد به مجازات رساندن سلمان رشدی را داشت، قایقی زودتر از این‌که به طبقه سوم هتل محل استقرار مسلمان رشدی نزدیک شود، به شهادت رسید. عوامل محمل کردن زودتر از موعد ناشی و تحرک زیاد شهید، موجب انفجار و انفجار زودهنگام مواد منفجره، قبل از رسیدن به چاشنی مرتد شده بود. پیگیری شهید، هشت‌ماه بعد توسط دولت انگلستان تحویل خانواده‌اش می‌شود.

مصطفی با شناسایی هتل محل اقامت سلمان رشدی، قصد قاتل چهار روزه در آن هتل می‌کند. در روز سوم پس از آن که یک زن خدمتکار درباره رفت‌وآمدهای سلمان رشدی سوالاتی می‌کند، مورد سوء ظن قرار می‌گیرد و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی انگلستان وارد هتل می‌شوند. او اگرچه به دلیل نفجار زده هنگام بمب موفق به اجرای فرمان امام نشد اما با غاگر حرکتی در جهت مبارزه همه جانبه مسلمانان جهان با توهین به اسلام و پیامبر عظیم‌الشان آن شد و سبب شد تا همچون ممنوعیت انتشار آثبات شیطان، کشورهای دیگری همچون کوبا، تایلند، تانزانیا، اندونزی، سنگاپور و دیگران روزنوارا هم دربرگیرند.

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.

همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

		A	F	D	S							P	V	F	D		
	P		S			M						D		P		F	
S												Q					P
D			M									F		A			I
	I		Q	P		S						I		F	P		A
Q			D									V			I		D
I								A	V		I	P					M
	V			Q		D				M			Q		M		P
		D	M		S	P							I	P		A	V

		7	1	6	5							8	9	4	3		
	2		4			1		8			5		3			2	
1						4	1		6	9							8
4			9			5				8			1				6
	9		5	7		4					6		8	2		4	
5			3			6					3		9			1	
2						7					2					5	
	8		7			6					9	6		8			
		9	4		1	3						1	2	9	7		

سودوگو ۴۴۳۵